مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰جلد۲، ص۵۶-۴۴
http://www.jhss.ir

ارزیابی جامعه شناختی نکاح موقت و امکان سنجی جایگزینی آن به جای نکاح دائم در جهان مدرن

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص۵۶-۴۴

سالار صادقی[۱]
[۱]دانش آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، مدرس دانشگاه

نویسنده مسئول:
سالار صادقی

چکیده

فرهنگ غالب ازدواج در جامعه ما و بسیاری از جوامع، ازدواج دائم است. اما تجربیات نشان می دهد که در جهان معاصر و مدرن، ازدواج دائم دارای ایراداتی است که زندگی را برای زوجین مشکل می کند. تغییر احساسات در طول زندگی، نقض حریم خصوصی، عدم امکان شناخت کامل قبل از ازدواج، وجود سنت های دست و پاگیر و کسالت و روزمرگی از جمله این ایرادات و مشکلات هستند. در مقابل، بسیاری از افراد بر ازدواج موقت نیز ایراداتی وارد می کنند که چنین ازدواجی نوعی تنوع طلبی و لذت جویی است. اما به نظر می رسد نکاح موقت امتیازاتی از ابعاد مختلف دارد که موجب می شود سخن از جایگزینی آن به جای نکاح دائم پیش آید. پیشگیری از جرایم جنسی، وجود حقوق و تکالیف برای زوجین، فرصت شناخت و عدم وجود طلاق از جمله این امتیازات هستند. این مقاله با بررسی ایرادات و امتیازات هردو نوع نکاح، به این نتیجه می رسد که بهتر است در جهان معاصر بر نکاح موقت نیز در کنار نکاح دائم توجه و تمرکز بیشتری شود و جوانان به این نوع نکاح بیشتر تشویق شوند.

واژگان کلیدی: نکاح موقت، عرف، نیاز جنسی، نکاح دائم، طلاق.

مقدمه

یکی از انواع دو نکاحی که در فقه شیعه و قانون مدنی ایران به رسمیت شناخته شده است، نکاح موقت یا منقطع (متعه) است که تفاوت اصلی آن با نکاح دائم، مدت محدود و معین آن و لزوم تعیین مهریه است. با اینکه چنین نکاحی کاملاً مشروع و قانونی است، اما اکثریت جامعه چنین نکاحی را نپذیرفته یا به سختی می پذیرند.

این در حالی است که پژوهش ها و آمارهای موجود همگی حاکی از تغییر در الگوهای ازدواج به ویژه افزایش سن ازدواج جوانان در ایران طی چند دهه اخیر هستند که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن نقش دارند. گذار از این دوران طولانی بر اثر تشدید تحریکات جنسی توسط فن آوری های نوین، دربردارنده عوارض فردی و اجتماعی است. از این رو ارائه راهکاری برای برون رفت از این موضوع ضرروت می یابد که احیای سنت ازدواج موقت توسط سیاست گذاران حکومتی و دینی یکی از قابل توجه ترین و در عین حال بحث برانگیزترین راهکارهاست(ریاحی، ۱۳۹۱، ۴۸۷).

در عصر مدرن و در میان نسل جدید جوانان و نوجوانان تحولاتی در سبک زندگی و فرهنگ صورت گرفته است که یکی از این تحولات مربوط به روابط زناشویی است. در جوامع مدرن فعلی (از جمله ایران) ازدواج دائم با چالش هایی روبروست و تجربیات و آمار فراوان طلاق و خیانت نشان می دهد که چنین ازدواجی دوام ابدی ندارد. از طرف دیگر، بسیاری از جوانان به دلیل نابسامانی های اقتصادی قادر به ازدواج دائم نیستند و این منجر به روابط آزاد آنومیک و یا سرکوب جنسی و بروز عقده های جنسی در آنان می شود.. لذا باید به دنبال یک راه چاره برای حل این معضل بود.

در مقاله حاضر به دور از تعصب و با پرهیز از مباحث تکراری و طولانی فقهی، حقوقی یا اجتماعی در خصوص نکاح موقت، با نگاهی نو و از دید علمی، عقلانی و جامعه شناختی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی درصدد ارزیابی نکاح موقت بوده و ایرادات وارده بر آن را پاسخ داده و امتیازات مثبت آن را نیز مورد بررسی قرار می دهیم. نخست نگاهی به ایرادات وارده بر نکاح دائم نموده و سپس وارد ایرادات و امتیازات نکاح موقت می شویم و از نظرات برخی فیلسوفان غربی (برتراند راسل و آرتور شوپنهاور) نیز در این راستا استفاده خواهیم نمود تا مشخص شود آیا چنین ازدواجی در جهان مدرن می تواند جایگزین ازدواج دائم شود یا خیر. شایان ذکر است مباحث و مطالبی که در این مقاله مطرح و بررسی می شوند در مقاله های مرتبط پیشین مورد اشاره قرار نگرفته اند.

سوالات تحقیق

ازدواج دائم دارای چه ایراداتی است؟

ازدواج موقت دارای چه ایراداتی است و پاسخ به این ایرادها چیست؟

ازدواج موقت دارای چه امتیازاتی است که موجب می شود در جهان امروز جایگزین ازدواج دائم شود؟

روش شناسی تحقیق

روش مقاله حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و نظری بوده و در حد امکان از منابع کتابخانه ای (کتب و مقالات فلسفی و جامعه شناختی) مرتبط با موضوع استفاده شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به جدید بودن این موضوع و کمبود شدید منابع مرتبط با بحث موردنظر نگارنده، استدلال ها و تحلیل های مطرح شده بر اساس واقعیت های اجتماعی روز خواهد بود که جامعه به آنها توجه چندانی نمی کند و مورد غفلت واقع شده است.

۱-ایرادات وارده بر نکاح دائم

ازدواج دائم یکی از بزرگ ترین تحمیل هایی است که بر بشریت شده است؛ بدون اینکه بشریت خودش متوجه این مسأله باشد. این ادعا را که برای اولین بار در اینجا مطرح می کنم، شاید در نگاه نخست نامعقول و حتی ناپسند به نظر آید اما در ادامه با استدلالات و مباحثی که ارائه خواهم کرد، اثبات خواهد شد این ادعا تا حدود زیادی درست است.

هیچ چیز در دنیا ابدی نیست و نقطه پایان دارد. حال چرا ازدواج باید امری ابدی باشد؟

نخست ایرادات وارده بر نکاح دائم را مورد اشاره و بررسی می کنیم و سپس به ایرادات نکاح موقت نیز اشاره خواهیم کرد.

۱-۱-تغییر عواطف و احساسات در طول زندگی

عمده ایرادات ازدواج دائم را در پرتو نظریات استاد «مصطفی ملکیان» فیلسوف و اندیشمند بزرگ معاصر ایرانی بررسی خواهیم کرد. وی اولین اندیشمند ایرانی است که به این مسأله اشاره نموده است.

مصطفی ملکیان ازدواج (دائم) را دست کم در صورت فعلی آن به هیچ عنوان اخلاقی نمی داند. به رغم این معتقد است از آنجا که همه آدمیان اخلاقی نیستند مقید به داوری های موجه اخلاقی نیز نمی باشند ، در نتیجه با وجود آگاهی از غیر اخلاقی بودن ازدواج و فرزند آوری کما کان به انجام آن مبادرت می کنند.

وی نخست دلیل این امر را تغییر عواطف و احساسات در زندگی می داند و اذعان می دارد: «ازدواج قِوامش به احساسات و عواطف و هیجانات است و احساسات و عواطف و هیجانات، غیر اختیاری ترین بخش وجود ما هستند. آن وقت در نهاد ازدواج می خواهیم غیر اختیاری ترین بخش وجود ما زیرِ مهمیزِ قانون و تبصره و ماده در بیاید و این خیلی بی معناست و نتائج اخلاقی منفی خواهد داشت. اینکه در ازدواج چون فرض بر این است که اخلاقاً با عشق باید ازدواج صورت بگیرد و عشق امری ذوطرفین است و قوام آن نیز به طرفین است. بنابراین اگر ویژگی ای در من عوض شود یا ویژگی ای در معشوق من عوض شود یا در هر دوی مان عوض شود بی شک عشق شدت و ضعف پیدا می‌کند. البته جایی که شدت پیدا می کند مشکلی پیدا نمی شود، اما جایی که ضعف پیدا می کند باعث می شود که شما در ازدواج اگر به وفاداری که وظیفه ی اخلاقی تان هست عمل کنید، باید با این شخص زندگی تان را ادامه دهید اما این با "صرافتِ طبع" ناسازگاری دارد که آن هم وظیفه ی اخلاقی ماست. چرا باید اصلاً نهادی درست کنیم که میان دو تا وظیفه ی اخلاقی ما تعارض ایجاد کند؟ و من هر کدام از این دو را انتخاب کنم مشکل دارم. پس از اول این تعارض را بین این دو درست نکنیم.»(وبسایت صدانت، ۱۳۹۲).

در ادامه می گوید: «این است که شما به همان دلیلی که عاشق این فرد شده اید ممکن است در آینده عاشق فرد دیگری هم بشوید و ممکن است آن عشق شدت بگیرد بر این عشق. بعد با چه استدلالی می شود حق شما را از زندگی با آن فرد گرفت؟ چرا باید کاری کنیم که تعهد نسبت به همسر سابق با عشق نسبت به فرد دیگری تعارض پیدا کند؟ اصلا نهادی درست نکنیم که این مشکل را ایجاد کند. همیشه نباید گفت که هنگام تعارض چه کار باید بکنیم. اصلا چرا باید دست به کاری بزنیم که موجب به وجود آمدن تعارض شود.»(وبسایت صدانت، ۱۳۹۲).

بدین ترتیب ملکیان بر این نکته تاکید دارد که انسان موجودی است احساسی و عاطفی و در ازدواج دائم هم احساس و عاطفه معمولاً حرف اول را می زند اما احساس و عاطفه انسان ها از منظر روان شناختی ثابت نیست و در گذر زمان ممکن است دستخوش تغییراتی شود. این می تواند موجب مشکلاتی و اختلافاتی در زندگی شود و حتی منجر به عشق به شخص دیگری غیر از همسر و در نتیجه خیانت شود. هیچ ضمانتی وجود ندارد که شخص چه زن یا مرد با شخص دیگری بهتر از همسر اول خود آشنا نشود و ناخواسته به او احساس پیدا نکند. قانون هم نمی تواند این مسأله را کنترل کند.

این مسأله به ویژه از این لحاظ شدت پیدا می کند که زن و مرد از دو جنس متفاوت هستند و دارای روحیات و عواطف متفاوتی می باشند. دو جنس موافق و با روحیات و تفکرات مشترک مثلاً دو مرد یا دو زن که سالیان سال با همدیگر دوست هستند ممکن است بعد از چندین سال به اختلاف برخورد کنند و دوستی شان به پایان می رسد. اما زن و مرد با روحیات کاملاً ضد چگونه ممکن است تا ابد در کنار همدیگر دوام بیاورند؟ آرتور شوپنهاور فیلسوف شهیر آلمانی در این خصوص می گوید: «برایمان مسأله غریبی است اگر مرد و زنی را ببینیم که با وجود آنکه متفاوت ترین آدم های روی زمین هستند، باز هم باهم پیوند زناشویی پرشور و عاشقانه ای بسته اند. مثلاً زن خام و بدوی، نیرومند و محدود باشد و زن نرم خو و احساسی، ظریف فکر و زیباشناس. دلیل چنین چیزی آن است که در اینجا خواست فی نفسه ای در کار است که قطب دیگر، یعنی اندام جنسی کانون تمرکز آن است.»(شوپنهاور، ۱۳۹۷، ۴۵).

در آیین مسیحیت ازدواج یک پیوند ابدی است و کشیش در زمان اجرای عقد به این نکته تاکید می ورزد و زوجین نیز این قول ابدیت را به هم می دهند. اما عملاً چنین چیزی به ندرت امکان پذیر است که دو شخص بتوانند با همدیگر تا ابد در کنار هم زندگی کنند. به خصوص از این لحاظ که آمار طلاق در سراسر دنیا در کشورهای غربی هم افزایش پیدا کرده است. اما آیین اسلام به طور منصفانه و واقع بینانه به قضیه نگاه نموده و بر این نکته تاکید نمی کند که ازدواج حتماً باید پیوندی ابدی باشد.

۲-۱-نقض حریم خصوصی

دلیل دومی که استاد ملکیان علیه ازدواج ارائه می دهد مربوط به مسأله حریم خصوصی است. وی می گوید: « سلامت روان آدم که تأمینش وظیفه اخلاقی آدمی است نیازمند حریم خصوصی است و ازدواج حریم خصوصی را از شما می گیرد. یعنی شما برای سلامت روانی تان نیاز دارید

که حریم خصوصی برای خودتان داشته باشید. حریم خصوصی این است که من یک آناتی یک لحظاتی باید آنچنان که می خواهم در تنهایی به سر ببرم و این وانهادگی و تنهایی در زندگی زناشویی همیشه سلب می شود. البته اینکه ازدواج این حریم خصوصی را از آدم می گیرد از جامعه به جامعه فرق می کند ولی هیچ جامعه ای نیست که در آن ازدواج این حریم خصوصی را اصلاً نگیرد و شما دیگر آن حریم خصوصی را ندارید و این مضر است برای سلامت روان ما.» (وبسایت صدانت، ۱۳۹۲).

این نقض حریم خصوصی در جامعه ای چون ایران از اولین مرحله ازدواج تا پایان آن اتفاق می افتد. یعنی از مرحله خواستگاری[۲] که پسر عرفاً به تنهایی نمی تواند به خواستگاری برود و حتماً باید خانواده خود را همراه خود ببرد، در مراحل تصمیم گیری درباره مهریه و سایر شروط ضمن عقد نکاح، در زندگی مشترک و در مرحله طلاق نیز تقریباً خانواده های زوجین و خویشاوندان دور و نزدیک آنها ممکن است مداخله کنند. بدین ترتیب گاه همگان در ازدواج پسر و دختر تصمیم می گیرند به جز خودِ پسر و دختری که می خواهند ازدواج کنند. بدین صورت است که ازدواج دائم در ایران «فردیت یا تفرد» و نیز حریم خصوصی فرد را نادیده می گیرد و امکان انتخاب و تصمیم گیری و زندگی مستقل را از فرد می‌گیرد.

این موضوع در مرحله زندگی مشترک هم بیشتر به چشم می خورد. پس از همه گیری کرونا، اختلافات زوجین و خشونت خانگی در سراسر دنیا افزایش پیدا کرد. میزان تماس های زوجین مربوط به اختلافات خانوادگی در دوران قرنطینه کرونا با مشاوره بهزیستی کشور در ایران سه برابر افزایش یافت. این می تواند دلیلی باشد بر اینکه انسان ها گاه نیاز به خلوت کردن با خود و حریم خصوصی دارند و نمی توانند تا ابد در کنار هم زندگی کنند. در اکثر جوامع مخصوصاً جوامع سنتی، زن و شوهر یکدیگر را کنترل می کنند و این می تواند حریم خصوصی آنها را از بین ببرد آن هم برای همیشه. ولی در ازدواج موقت این مسأله کمرنگ تر و موقتی است.

۳-۱-اختلافات فراوان در زمینه های مختلف

ملکیان در این خصوص اذعان دارد: «شما و طرف مقابل تان فقط در عاشقی و معشوقی مشترکید اما در بقیه ی ویژگی ها اختلاف دارید. حال اگر این اختلاف در مقام عمل جلوه کرد چه باید کرد؟ فرض کنیدکه شما سینما را دوست دارید و از تئاتر نفرت دارید و همسرتان تئاتر را دوست دارد و از سینما نفرت دارد و شما می خواهید با هم بروید بیرون؛ اینجا کار آسان است و اگر بخواهید خیلی عاقل باشید و بخواهید اخلاقی عمل کنید می گویید تو برو تئاتر خودت را و من می روم سینمای خودم را. تا اینجا مشکلی نیست اما اگر در یک مسئله ای بود که نشود گفت من می‌روم راه خودم را و تو برو راه خودت را چه؟ مثلا می خواهیم خانه بخریم. من می خواهم خانه ای را بخرم که در محله ای باشد که هوای سالمی دارد ولی پرستیژ اجتماعی ندارد ولی همسرم می خواهد در محله ای خانه داشته باشد که پرستیژ اجتماعی دارد ولی هوای بسیار آلوده ای دارد. آیا اینجا می شود گفت که تو خانه ی خودت را بخر و من خانه ی خودم را می خرم؟ مشکل دقیقاً این است که اگر بخواهم حق همسرم را حفظ کنم باید حق خودم را ضایع کنم و اگر بخواهم حق خودم را حفظ کنم باید حق همسرم را ضایع کنم. فرض کنیم در خرید خانه هم ماجرا را اینگونه فیصله دادیم که بیا در خانه خریدن تو حرف من را گوش کن منتها در اتومبیل خریدن من حرف تو را گوش می کنم. اما اینجا درست است به لحاظ اخلاقی، نزاع فیصله پیدا کرده است اما آهسته آهسته شما به لحاظ روانی به این نتیجه می رسید که من عشق این فرد را به هزینه بالایی دارم می خرم. هزینه اش این است که من از خواسته های خودم صرف نظر کنم.» (وبسایت صدانت، ۱۳۹۲).

این مشکل در ازدواج دائم پر رنگ تر است چون قرار است زن و شوهر تا ابد با هم باشند و نمی توانند هرکدام به راه خود بروند. هر عملی و اقدامی که انجام دهند، بر شریک زندگی تاثیر خواهد گذاشت و او را خوشحال یا ناراحت خواهد کرد. اما در ازدواج موقت این موضوع کمرنگ تر است چون بالاخره روزی پیوندشان به پایان خواهد رسید و مجبور نیستند برای راضی نگه داشتن همدیگر تلاش کنند.

۴-۱-عدم امکان شناخت کامل قبل از ازدواج

امروزه در جوامع در حال گذار از سنت با توجه به مسایل و مشکلات مختلف اجتماعی و اقتصادی، شناخت انسان ها قدری مشکل و پیچیده است. بنابراین در جوامع سنتی یا در حال گذار از سنت مانند ایران افراد اقدام به ازدواج دائم می کنند بدون اینکه شناخت مفصل و کاملی از طرف مقابل داشته باشند. در حالیکه برای زندگی دائم و همیشگی با یک فرد، باید شناختی کامل و همه جانبه از او داشت تا بعداً موجب مشکل نشود. شناخت قبل از ازدواج در ایران چندان ممکن نیست و این امر ریشه تمام اختلافات و خیانت ها و طلاق ها می تواند باشد.

---

[۲] -صرف نظر از مرحله پیدا کردن همسر برای شخص که شخص ممکن است حتی در این مرحله هم نقشی نداشته باشد!

البته ممکن است گفته شود طرفین در دوران نامزدی می توانند همدیگر را بشناسند. باید توجه داشت نامزدی از منظر قانونی به معنی آنچه که در قانون مدنی آمده است، وعده ازدواج است و فرصتی است برای شناخت طرف مقابل. اما عرف جامعه ایران معمولاً این معنای قانونی نامزدی را درنظر نمی گیرد و نامزدی را همان نکاح تلقی می کند یعنی طرفین با همدیگر عقد نکاح موقت یا دائم انعقاد می کنند و لذا همسر قانونی همدیگر می شوند. اگر نکاح دائم منعقد شوند که به طور کلی نامزدی منتفی است و اگر نکاح موقت منعقد شود باز هم نامزدی منتفی است چون این نکاح است نه نامزدی. البته اگر نکاح موقت جاری شود به مراتب بهتر است و می تواند فرصتی باشد برای شناخت همدیگر.

بدین ترتیب نکاح موقت یک فرصت مناسبی است جهت شناخت طرف مقابل از ابعاد مختلف روانی، شخصیتی و اجتماعی. در حالیکه در نکاح دائم چنین فرصتی برای شناخت نیست و شخص به یکباره وارد رابطه دائمی و همیشگی می شود بدون اینکه شناخت کافی از همسر خود را داشته باشد. لذا امروزه به نظر می رسد کسانی که تصمیم به ازدواج دائم دارند، حتماً باید قبل از آن اقدام به نکاح موقت کنند.

۱-۵-وجود سنت ها و عرف های دست و پاگیر

در بسیاری از جوامع مخصوصاً جوامع سنتی از جمله ایران نکاح دائم همراه با سنت ها و عرف ها و رسومی است که امروزه دیگر چندان منطقی نیست و نسل های جدید و جوان به سختی آنها را قبول می کنند. مثلاً مراسم خواستگاری، مذاکره های شبه تجاری بر سر مهریه، دخالت خانواده ها و خویشاوندان، شیربها، پاتختی، حنابندان، بله بران، شیرینی خوران، جهازبران، پاگشا و شب زفاف از مراسم مهمی در جامعه ایران مخصوصاً بین خانواده های سنتی است که بدون هیچگونه دلیلی اجرا می شود. دلیل اجرای آنها صرفاً این است که رسم و عرف هستند.

هرچند وجود یک عرف و سنت در یک جامعه فی نفسه چیز بد و مذمومی نیست اما چنین سنت هایی به دور از عقلانیت بوده و دست و پاگیر هستند و مورد قبول نسل های جدید دوران مدرن نیستند. حتی اگر فردی حاضر به قبول این رسم ها نشود و از آنها تخطی کند، ممکن است ازدواج او به هم بخورد. درحالیکه در نکاح موقت چنین سنت ها و عرف های بی مفهومی وجود ندارد و از این بابت بهتر، مناسب تر و منطقی تر است.

۱-۶- کسالت و روزمرگی

حتی اگر زن و شوهر دایمی با هم اختلاف خاصی هم نداشته باشند، ممکن است بعد از مدتی منجر به کسالت، روزمرگی، یکنواختی، تکرار و احساس پوچی در آنها شود. زیرا بعد از گذشت مدتی از هم دل‌زده خواهند شد. این مساله می تواند منجر به فرزندآوری در آنها شود یعنی برای فرار از روزمرگی و پوچی، فرزندی برای خود بیاورند بدون اینکه به نیازها و آینده فرزندشان توجهی داشته باشند. این احساس روزمرگی حتی می تواند به خیانت هم منجر شود.

نظریه «برانگیختگی هفت ساله زناشویی[3]» یک عقیده و نظریه در روان‌شناسی رابطه می‌باشد که بیان می‌کند پس از حدود ۷ سال از زندگی زناشویی به تدریج عدم رضایت از رابطه جنسی زناشویی و کاهش تمایلات و اشتیاق جنسی بروز خواهد کرد که این امر منجر به افزایش طلاق و یا علاقه به پیمان شکنی و خیانت در حدود سال هفتم زندگی مشترک خواهد شد. این نظریه توسط پژوهشگران دانشگاه میشیگان و دانشگاه استونی از طریق مصاحبه با زوج ها مطرح شده و به اثبات رسیده است
(https://www.sciencedaily.com/releases/2009/04/090429172241.htm) .

لذا طبق این نظریه، هفت سال مدت متعارف و معقولی است که دو انسان از دو جنس مخالف می توانند در زیر یک سقف با هم دوام بیاورند و بعد از هفت سال دیگر کسالت و روزمرگی سراغ آنان خواهد آمد. این یک نظریه علمی و تجربی است که نامعقول بودن ازدواج دایم و معقول بودن ازدواج موقت را می تواند به اثبات برساند. پس به جای اینکه زن و شوهر با ازدواج دایم دچار کسالت و روزمرگی شوند و یک عمر زندگی را برای خود جهنم کنند، بهتر است ازدواج موقت کنند تا از این کسالت ها دور بمانند. چون مجبور نخواهند بود همدیگر را تا آخر عمر تحمل کنند. البته اگر با هم به تفاهم برسند و به همدیگر علاقه داشته باشند، می توانند ازدواج موقت را تمدید نمایند.

[3] -Seven-year Itch

۲-ایرادات وارده بر نکاح موقت و پاسخ به آنها

دو ایراد مهم وارده بر نکاح موقت را در اینجا بررسی نموده و به این ایرادات پاسخ منطقی و قاطعی خواهیم داد. این ایرادات ممکن است از سوی هرکسی اعم از افراد بی سواد یا افراد با سواد و تحصیلکرده وارد شود.

۲-۱-نکاح موقت به منزله تنوع طلبی و لذت جویی است

بسیاری از مردم به خصوص زنان معتقدند ازدواج موقت نوعی بی بند و باری، تنوع طلبی و هوس رانی است و هیچ تعهد و وفاداری در این نوع ازدواج وجود ندارد. لذا این امر موجب فروپاشی خانواده ها نیز می شود. این مهم ترین ایرادی است که به چنین ازدواجی وارده شده و موجب دیدگاه های منفی درباره آن می شود.

در پاسخ به ایراد باید اذعان نمودکه اولاً ازدواج دائم هم لزوماً به معنای وفاداری و تعهد نیست و بسیاری از افراد (به خصوص مردان) که ازدواج دائم نموده اند، در خفا به همسر خود خیانت می کنند و عملاً بی بند و بار و تنوع طلب هستند و تنها در ظاهر است که خود را پایبند نشان می دهند. بنابراین این ادعا که ازدواج دائم مانع تنوع طلبی و هوس رانی و بی وفایی می شود، سخنی گزاف و ناپخته است.

ثانیاً در تکمیل پاسخ اول، با افزایش آمار طلاق که نتیجه ازدواج دائم است، عملاً خانواده ها دچار فروپاشی می شوند. لذا ازدواج دائم لزوماً همیشه ضامن تحکیم و بقای خانواده و مانع فروپاشی خانواده ها نیست. تبعات منفی طلاق برای همسران و فرزندانشان به مراتب بیشتر است.

بنابراین می توان گفت در جامعه ای چون ایران، اتفاقاً ازدواج دائم در اکثر مواقع برای لذت جویی و ارضای نیازهای جنسی است. یعنی به طور کلی هدف از ازدواج دائم اساساً رفع نیازهای جنسی است و اهداف دیگر فرعی هستند. زیرا فرد قبل از ازدواج دائم اجازه هیچگونه رابطه ای با جنس مخالف ندارد و انباشته از شهوت و غریزه جنسی است و مهم ترین عامل و انگیزه ای که او را به ازدواج دائم وادار می کند، همین امر است. اما بعد از ازدواج دائم و فروکش کردن این نیازها، دچار کسالت و پوچی شده و در رسیدن به اهداف دیگر ازدواج معمولاً شکست می خورد که به طلاق می انجامد.

ثالثاً لذت جویی و تمتع جنسی یکی از نیازهای فطری و طبیعی بشر است که باید پس از بلوغ جنسی ارضاء شود. لذا لذت جویی و تمتع جنسی فی نفسه هیچ اشکالی ندارد و عمل ذاتاً بد و غیر انسانی نیست. آموزه های مسیحیت شهوت جنسی را امری شیطانی تلقی می کرد و به همین دلیل ازدواج برای کشیشان و عالمان دینی مسیحیت ممنوع اعلام شد. در حالیکه نیاز جنسی یک امر انسانی است نه شیطانی. خداوند این نیاز را در وجود انسان ها قرار داده است تا از آن بهره ببرند و چیزی که از سوی خداوند به انسان داده شده است، امکان ندارد امری بد باشد.

اما لازم نیست این نیاز جنسی حتما در قالب نکاح دائم ارضاء شود. جامعه تاکید می کند که تنها راه رفع نیاز طبیعی جنسی، ازدواج دائم است و هر راهی غیر از این انحراف است. در حالیکه تنها هدفِ ازدواج رفع نیاز جنسی نیست تا تنها راهِ رفع نیاز جنسی فقط ازدواج دائم باشد. ارضای نیاز جنسی تنها یکی از اهداف ازدواج است و ازدواج دائم هم تنها یکی از راه های رفع این نیاز. ممکن است دستیابی برخی افراد به ازدواج دائم مقدور نباشد یا عده ای این نوع ازدواج را نپسندند. حال چنین افرادی باید تا پایان عمر سرکوب شوند؟

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ایران در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ طی گزارش هایی اعلام کرد روابط جنسی نامشروع در حد نگران کننده ای افزایش یافته و یکی از راه حل های اساسی ازدواج موقت است(وبسایت آفتاب نیوز). بی بند و باریهای جنسی ناشی از سرکوب های شدید جنسی است که باعث جولان دادن گرسنگان جنسی در جامعه می شود. علیرغم همهٔ هزینه های صورت گرفته در جهت ازدواج (دائم) نه تنها بی بند و باری جنسی در کشور از میان نرفته، بلکه شاهد بروز انواعی از خشونت های جنسی هستیم(وبسایت تبیان).

حال باید از طرفداران سرسخت ازدواج دائم باید پرسید شما که این همه بر این نوع ازدواج تاکید نموده و عمل کرده اید و در نظرتان بهترین نوع ازدواج است، پس چرا تنوع طلبی، بی بند و باری و روابط جنسی غیرقانونی در جامعه کاهش پیدا نکرده است؟! این در حالیست که آمار ازدواج موقت بسیار کم و محدود است.

رابرت مرتون جرم شناس آمریکایی در نظریه فشار بر این مطلب تاکید کرده که ساختارهای اجتماعی چگونه فشار معینی را به بعضی افراد جامعه وارد می آورد که به جای همنوایی، ناهمنوا می شوند. در این خصوص هم آنومی زمانی پدید می آید که در جامعه بر ازدواج و تشکیل خانواده بیشتر از اشتغال و مقدمات آن تاکید شود. احساس محرومیت موجب نارضایتی در افراد شده و این نارضایتی تبدیل به محرکی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت به شیوه های جدید می شود. فشارهای فرهنگی در کنار سایر عوامل چون احساس نیاز و شرایط اقتصادی موجب پیدایش ارزش های جدید فرهنگی در جامعه می شود(آزاد ارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰، ۴۵۴). که یکی از این شیوه هایی که به جای نکاح دائم انتخاب می شود، نکاح موقت است.

در پاسخ به اینکه نکاح موقت تنوع طلبی است باید اذعان نمود انسان ذاتاً موجودی تنوع طلب است و تنوع طلبی در تمام امور زندگی جاری است. آیا ممکن است فردی تا پایان عمر از یک نوع غذا یا یک دست لباس به طور ثابت و ابدی استفاده کند؟ افراد در زندگی همواره می خواهند در اموال خود یا حتی شغل خود تنوع داشته باشند یا آنها را تغییر دهند. حال این مساله چرا در ازدواج ممکن نباشد؟ پس تنوع طلبی فی نفسه امر مذمومی نبوده و طبیعی است اما زمانی که از تعادل خارج شود و جنبه افراطی به خود بگیرد، ممکن است مذموم و غیراخلاقی باشد.

طبق نظریه برانگیختگی هفت ساله زناشویی که قبلاً اشاره شد، انسان ها نیاز به تنوع در زندگی دارند و لزومی ندارد تا آخر عم مجبور به تحمل یک فرد باشند. چون بعد از گذشت مدت متعارفی (هفت سال طبق نظریه مذکور) زن و شوهر دچار پوچی و کسالت و دل‌زدگی از هم می شوند. لذا باید تنوع را بتوانند تجربه کنند. رابطه زناشویی و عاطفی انسان ها با یکدیگر یک امر خصوصی است و هر انسانی حق دارد رابطه دلخواه خود را با دیگری تجربه کند لذا جامعه نباید در چنین روابطی مداخله کند.

ازدواج موقت تنها در صورتی می تواند قابل مذمت باشد و غیر اخلاقی تلقی گردد که از تعادل خارج شود و هدف از آن صرفاً شهوت رانی و بی بند و باری بوده و ابزاری باشد در دست مردانی که با نیت پلید و مغرضانه اقدام به این کار می کنند یا کسانی که اقدام به قوادی (واسطه گری) به خاطر منافع مادی می کنند. برای مثال مردی که زن دارد و رابطه زناشویی خوب و رضایت مندانه ای هم با وی دارد، به خاطر تنوع طلبی افراطی و شهوت رانی هفته ای یک بار یا چند بار با زنان مختلفی نکاح موقت می کند.

این مسأله راه حل دارد. به خاطر جلوگیری از سوءاستفاده از حکم ازدواج موقت توسط فرصت طلبان احتمالی، دولت می تواند بازه زمانی مشخصی را برای چنین ازدواجی مقرر نماید. برای مثال مقرر نماید که مدت نکاح موقت نباید کمتر از دو هفته یا یک ماه باشد. زیرا مدت نکاح موقت مهم ترین قرینه ای است که می توان با آن به قصد و نیت شخص پی برد. هرچقدر این مدت کمتر باشد، احتمال شهوت رانی و تنوع طلبی بالاست و هرچقدر مدتش بالاتر باشد این احتمال پایین است.

پاسخ آخر اینکه اتفاقاً در جوامعی مانند ایران هم در اکثر موارد هدف از ازدواج دائم برای بسیاری از افراد لذت جویی و تمتع جنسی است یعنی ازدواج دائم صرفاً برآمده از سرکوب و عقده جنسی برای فرونشاندن میل جنسی است. لذا لذت جویی و تنوع طلبی محدود به ازدواج موقت نیست و ممکن است در ازدواج دائم هم وجود داشته باشد. لذا ابدی بودن ازدواج همیشه هم مانع شهوت رانی و ضامن خوشبختی خانواده نیست.

۲-۲-عدم پذیرش نکاح موقت از سوی عرف جامعه

دلیل دیگری که اکثریت افراد جامعه چه افراد سنتی و چه مدرن بدان اشاره می کنند این است که ازدواج موقت از سوی عرف اکثریت و فرهنگ جامعه قابل پذیرش نیست و به همین دلیل نباید چنین ازدواجی انجام شود. از نظر آنها ازدواج موقت از لحاظ عرفی در فرهنگِ جامعه جاافتاده نیست و لذا نباید کسی به این سمت برود. در کمال شگفتی، از نظر بسیاری از مردم این یگانه دلیلِ ممنوعیتِ ازدواج موقت است. به عبارتی، استدلال آنان این است که چون فرهنگِ غالب جامعه و عرف اکثریت مبتنی بر ازدواج دائم است و همه یا اکثریت افراد فقط ازدواج دائم می‌کنند، پس هیچکس نباید از چارچوب فرهنگِ غالب و عرف اکثریت خارج شود و همه باید ازدواج دائم نمایند. حتی ممکن است کسی که ازدواج موقت می کند از نظر آنها فردی منحرف، غیراخلاقی، ضد اجتماعی و هنجارشکن تلقی گردد که مستحق طرد است. لذا جامعه می گوید افراد یا باید ازدواج دائم کنند و یا باید تا پایان عمر مجرد بمانند و خود را مانند کشیشان و راهبه های قرون وسطی سرکوب کنند.

در پاسخ به ایراد باید گفت اولاً امری که فرهنگ غالب و عرف اکثریت است لزوماً به معنای صحیح و اخلاقی بودن آن نیست. ممکن است بسیاری از مسائل از دید عرف و فرهنگ غالب، پسندیده باشند اما از نظر اخلاقی یا عقلی صحیح نباشند. به عنوان مثال، در عربستان جاهلیت قبل از اسلام زنده به گور کردن دختران امری متداول و مورد پذیرش عرف اکثریت بود اما پیامبر اسلامی (ص) با این سنت غلط مقابله نمود تا برچیده شود. خرافه گرایی و بت پرستی نیز در دوران جاهلیت امری عرفی بوده است که پیامبر (س) با آنها مبارزه نمود.

از عرف ها و سنت های متداول دیگر در دوران جاهلیت می توان به سوت و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا، شراب خواری و فحشا، تعصب و تقلید کورکورانه، امتیازات طبقاتی، خوردن خوک، خون و گوشت مردگان، قماربازی و رباخواری اشاره کرد که همگی از فرهنگ های غالب آن دوران بوده است. اعراب با این سنت های زشت خو گرفته بودند، از این رو به راحتی حاضر به ترک آنها نبودند. البته با نگاهی به جهان امروز پی می بریم که سنت های زشت عرب جاهلی، بار دیگر بروز کرده و کشورهای بسیاری را به خود مشغول ساخته اند. بنابراین برای رهایی از این سنت های زشت، باید به عبرت آموزی از تاریخ پرداخت و راه پیامبر اسلام(ص) را ادامه داد(قاسمی حامد، ۱۳۹۲، ۹۲). در دوران جاهلیت ازدواج های ناپسندی چون ازدواج همزمان با دو خواهر (جمع بین الأُخْتَیْن)، نکاح شغار (نکاحی که در آن مرد عرب دختر یا خواهرش را به ازدواج با مردی دیگر درمی آورد و در برابر، آن دیگری نیز دختر یا خواهرش را به تزویج او درمی آورد)، نکاح بدل (در نکاح بدل، مردی به مرد

دیگر می گفت: تو برای من دست از همسرت بردار! و من نیز برای تو دست از همسرم بر می دارم)، استبضاع (مرد عرب، هرگاه می خواست فرزندی نجیب یا شجاع و یا باکرامت و... داشته باشد، از همسرش می خواست نزد کسی که چنان صفات برجسته ای دارد برود و از او بخواهد که با او نزدیکی کند)، نکاح رهط (گروهی از مردان (رهط) که کمتر از ده نفر بودند، همگی با یک زن آمیزش می کردند که این عمل، براساس رضایت آن زن و توافق این گروه از مردان بود). البته نکاح موقت (متعه) نیز در پیش از اسلام رایج بوده اما دین اسلام آن را تایید (امضاء) کرده است(منتظری مقدم ، ۱۳۸۴، ۱۵۵-۱۵۰) زیرا نسبت به نکاح های دیگر بسیار عقلانی است.

همچنین در روایات تاریخی-مذهبی قوم لوط راه همجنس گرایی را در پیش گرفته و مرتکب گناه لواط می شدند و انواع انحرافات دیگر را هم انجام می‌دادند. چنین انحرافاتی عرف و فرهنگ غالب در آن زمان بود اما حضرت لوط (ع) همواره آنها را به راه راست هدایت می کرد. امروزه نیز در بسیاری از کشورها، سنت ها و عرف های غیرمنطقی و غیرعقلانی وجود دارد اما وجود آنها و عمل به آنها دلیلی بر حقانیت و درستی آنها نیست.

حتی یکی از فیلسوفان بزرگ آلمانی «آرتور شوپنهاور» که اولین فیلسوف غربی است که فلسفه شرق را خوانده بود می گوید: «پیش از نهضت اصلاح دینی لوتری، صیغه کردن در همه دوران ها و در میان همه ملت ها نه تنها رسوایی نبوده که مجاز و حتی عرفی بوده که قانون آن را به رسمیت می شناخته است و یک فیلسوف قدیمی آلمانی به نام توماسیوس نیز رساله به نام «در باب متعه» (De concubinatu)[۴] نوشته است.»(شوپنهاور، ۱۳۹۸، ۷۲). لذا نکاح موقت در دوران قدیم حتی در غرب هم وجود داشته است اما رفته رفته قدری متروک و مغفول شد که علت آن چندان مشخص نیست.

در کمال شگفتی بسیاری از افراد به ویژه اقشار سکولار، روابط آزاد خارج از ازدواج را تایید کرده و می پسندند اما زمانی که صحبت از ازدواج موقت پیش می آید، برآشفته می شوند و حتی آن را نوعی فحشا و کلاه شرعی محسوب می کنند. این امر نشانگر بی منطقی چنین افرادی است. ثانیاً اینکه هیچ لزومی ندارد همه انسان ها در یک جامعه از فرمول و قاعده یکسانی پیروی کنند. کسانی که ازدواج موقت را نفی می کنند، معتقدند همه باید تنها در قالب ازدواج دائم زندگی کنند و کسی حق ندارد از این چارچوب بیرون برود. در حالیکه انسان ها با هم برابر نیستند و ویژگی ها، روحیات و شخصیت متفاوت و متنوعی دارند و حق دارند که متفاوت بیندیشند و متفاوت زندگی کنند و همین تفاوت هاست که زندگی بشریت را می تواند زیباتر کند. اگر اتومبیل های یک شهر همگی از یک نوع و یک رنگ باشند، چهره شهر خسته کننده و زشت خواهد شد. همین مسأله در خصوص انسان های جامعه نیز صادق است.

اسناد بین المللی مهمی به این موضوع تاکید کرده اند. در این راستا ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی عقیده، تغییر مذهب و آزادی علنی کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و برگزاری آن در محیط عمومی یا خصوصی است و هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه ندارد.» مطابق ماده ۱۲ اعلامیه نیز «هیچ احدی نمی‌بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله خودسرانه قرار گیرد.» ماده ۱۹ نیز بیان می دارد: «هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون نگرانی از مداخله، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.»

بدین ترتیب عرف و فرهنگ اکثریت باید به فرهنگ ها، خرده فرهنگ ها و دیدگاه ها و عرف اقلیت نیز احترام بگذارند. از منظر حقوق بشری به خاطر صرفاً «متفاوت بودنِ» یک شخص یا گروه، نباید اقدام به مداخله برای نفی و طرد تفاوت های آنان نمود.

از منظر جرم شناسی فرهنگی (یکی از شاخه های جرم شناسی انتقادی) کسانی که از قدرت برخوردارند، صورت های غالب زندگی اجتماعی را تعریف و سازماندهی می کنند و معانی خاصی به آنها می دهند(رحیمی نژاد، ۱۳۹۸، ۱۱۶). در مسأله ازدواج موقت نیز ممکن است قدرتمندان و طبقات بالای جوامع باعث شوند چنین ازدواجی به حاشیه رانده شود و فرهنگِ غالب را ازدواج دائم تعیین کنند.

---

[۴] -واژه concubinage به معنی هم بالینی یا صیغه است. این نوع روابط در غرب به رابطه هایی اطلاق می شود که به ازدواج (دائم) ختم نمی شود و زن و مرد مدتی در کنار هم زندگی کنند تا با اخلاق و روحیات هم آشنا شوند تا بعد در صورت تفاهم ازدواج کنند. این نوع ازدواج در حقوق رم پذیرفته شده بود اما در حال حاضر در قوانین کشورهای غربی اشاره ای به آن نشده است.

۳-فواید و امتیازات نکاح موقت

در این قسمت فواید و امتیازات نکاح موقت را در چهار مبحث مورد بررسی قرار می دهیم.

۳-۱- پیشگیری از جرایم و انحرافات جنسی

قبلاً نیز اشاره گردید که نیازهای طبیعی جنسی انسان باید رفع شود و نباید سرکوب شود. عدم رفع این نیاز موجب مشکلات متعددی می شود که ارتکاب جرایم جنسی از جمله این مشکلات است.

«ویلهلم رایش[5]» روانشناس مشهور اتریشی، سرکوب میل جنسی را زمینه پرورش افراد مطیع برای حکومت های دیکتاتوری می دانست. ملتی که با تربیت پدرسالارانه، بازدارنده و سرکوبگرانه امیالِ جنسی بزرگ میشود، توانایی تعقلش آسیب میبیند، اضطراب در وجودش چنبر میزند و نیروی تمرّدش فلج میشود؛ به نظر رایش مشکلات شخصیتی و روان نژدی ناشی از عدم ارضای جنسی طبیعی است . به علت انکه علائم روانژدی قادر به تخلیه کامل انرژی جنسی نیستند انرژی جمع شده و در وجود فرد به عنوان تنش بدنی ظاهر می شود. انرژی جنسی می تواند به اضطراب بدل شده یا به شکل سادیسم و ستیزه جویی ظاهر شود.

رایش اعتقاد دارد اخلاقی که تمایلات طبیعی زندگی را با فاحشگی یکسان انگارد، به دیکتاتوری مبدل می شود. چنین اختلاطی، شادی و عشق طبیعی را مانع می شود. عنوان غیراخلاقی دادن به کسانی که به جای قوانین اجباری و غیرطبیعی، بر طبق قوانین درونی و طبیعی خود رفتار می کنند، گناهی نابخشودنی است. ریاکاری اخلاقی خطرناک ترین دشمن اخلاق ذاتی و طبیعی است و با وضع قوانین اخلاقی اجباری و خشک نمی توان به جنگ ریاکاری اخلاقی رفت. لذا لازمه رفتار نیک آن است که فرآیند زندگی و جنسی به طور طبیعی و آزاد رشد کنند(رایش، ۱۳۸۲، ۱۹).

البته عده ای اذعان داشته اند که از نظر شارع نکاح دائم اصل و قاعده می‌باشد و ازدواج موقت یک راهکار جانبی و فرعی است و اصرار عملی بر آن و تکرار در انجام آن، در نگاه جامعه نه تنها موجب احیای حکم الهی نیست بلکه غالبا نتیجه معکوس دارد. ازدواج موقت از منظر دینی در صورتی مورد تشویق اسلام است که یا با هدف احیای حکم الهی صورت گیرد یا با هدف پیشگیری از گناه که در این فرض تنها برای نیازمندان به این کار مورد توصیه است و نه برای کسانی که از روی هرزگی قصد سوء استفاده از این حکم الهی را دارند(هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۲۷). این گفته تا حدودی صحیح است اما با عنایت به مطالب و استدلالات مذکور در این مقاله، امروزه ازدواج موقت راهکار جانبی و فرعی به نظر نمی رسد و باید همسان و هم ردیف با ازدواج دائم مورد توجه قرار گیرد.

برتراند راسل فیلسوف فقید مشهور آمریکایی ازدواج موقت را راهکاری برای پیشگیری از روابط نامشروع می داند و چنین گفته است: «در عصر حاضر ازدواج بدون اختیار به تاخیر می افتد. جوان بعد از ۲۸ سالگی به زحمت می تواند ادعای تخصص در رشته ای بنماید و بعد از ۲۹ سالگی تازه باید درصدد تهیه شغل برای امرار معاش کند و به زحمت در ۳۰ سالگی بتواند ازدواج کند و در نتیجه از از سن بلوغ تا ۳۰ سالگی که سنین غریزه جنسی و رغبت سرشار به زن است، فترتی حاصل می گردد که جوانان به بهانه تحصیل علم از بهترین لذایذ عمر محروم می گردند. برای جبران این ضرر و نقصان چه باید کرد؟ یا باید آنها را از تحصیل محروم کنیم یا به آنها اجازه دهیم در فاحشه خانه ها قوای غریزی خود را مصرف کنند که موجب بیماری های مختلف می شود. فقط یک فرض باقی می ماند و آن ازدواج موقتی برای جوانان می باشد.»(شفائی، ۱۳۴۱، ۲۳۱).

لذا وی چنین ازدواجی را موجب محفوظ ماندن از مفاسد روابط نامشروع جنسی معرفی می کند و از اینکه پیشنهاد یک قاضی در دادگاه نوجوانان آمریکا مبنی بر ازدواج موقت یا زناشویی رفاقتی که زن و شوهر بتوانند به آسانی از هم جدا شوند و نفقه ای به زن تعلق نگیرد، مورد قبول واقع نشد، اظهار تاسف کرده است. او بحق فکر می کند که چنانچه این شکل زناشوئی صورت قانونی پیدا کند کثیری از جوانان، مسلماً دانشجویان دانشگاهها، زندگی مشترک و نسبتاً استواری را که عاری از این روابط جنسی آزاد رقت بار باشد آغاز می کنند(راسل، ۱۳۸۷، ۹۴).

با توجه به اینکه فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی امروزه بسیار افزایش پیدا کرده است و ازدواج دائم هم اکثراً بعد از بلوغ اقتصادی میسر است، لذا ازدواج موقت راهی است مشروع و منطقی (و البته قانونی) برای رفع نیازهای جنسی. در فاصله بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی ممکن است فرد در اثر سرکوب های جنسی، کوهی از عقده ها شود که منجر به بیماری های روانی می شود و یا در بدترین حالت منجر به ارتکاب جرایم و انحرافات جنسی متعدد خواهد شد. با این حال، اکثریت جامعه توصیه می کنند افراد تا زمان بلوغ اقتصادی باید خود را سرکوب کنند؛ امری که امکان پذیر نیست. زیرا نیازهای فطری جنسی اگر تا زمان بلوغ اقتصادی از طریق ازدواج رفع نشود و سرکوب شود، یا در قالب روابط آزاد یا

[5] - Wilhelm Reich

انحرافات جنسی رفع خواهند شد و یا منجر به عقده های جنسی می شود. پدران و مادران مخصوصاً از نسل قدیم باید به این نکات آگاهی داشته باشند تا نظرات خود را به فرزندان نوجوان و جوان خود تحمیل نکنند.

۲-۳- وجود حقوق و تکالیف برای زوجین

آرتور شوپنهاور فیلسوف آلمانی در اعلام مخالفت خود با ازدواج چنین گفته است: «در این گوشه از جهانِ تک همسرانه ما، ازدواج نصف کردن حقوق و دو برابر کردن وظایف است.»(شوپنهاور، ۱۳۹۷، ۴۶). بدیهی است رابطه ازدواج به معنی افزایش تعهد و وظایف و مسئولیت ها و چشم پوشی از برخی حقوق است.

روابط آزاد دارای نظم و انضباطی نیست و تعهداتی برای اشخاص ایجاد نمی کند. اما نکاح موقت دارای نظم و قاعده است و تعهداتی برای طرفین ایجاد می کند که بهتر از روابط آزاد است. به ویژه از لحاظ اولاد؛ زیرا فرزندان ناشی از این نکاح به پدر و مادر خود ملحق می شوند و دارای تمام حقوق فرزندان مشروع هستند و پدر و مادر باید در نگهداری آنها بکوشند در حالیکه فرزندان ناشی از روابط آزاد چنین نیستند(صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ۲۸).

در ازدواج موقت هم تعهدها و مسئولیت هایی برای زوجین وجود دارد از جمله اینکه ملزم هستند یا همدیگر حسن معاشرت داشته باشند و وفادار به هم باشند اما نه تا ابد. لذا کسانی که می پندارند ازدواج موقت به منزله تنوع طلبی و بی بند و باری است، صحیح نیست. حتی فرزند ناشی از ازدواج موقت نیز فرزند قانونی پدر محسوب می شود. مرد تعهد به پرداخت مهریه دارد و زن ملزم به تمکین است و این موارد ضمانت اجرا دارند یعنی دادگاه می تواند دخالت کند و حکم صادر کند. این موجب قاعده مند شدن زندگی هرچند به صورت موقت می گردد که قطعاً از روابط آزاد خارج از ازدواج بهتر است.

۳-۳-عدم وجود طلاق

یکی از بزرگترین امتیازات ازدواج موقت این است که طلاق در این نوع ازدواج منتفی است و این مسأله بیشتر به نفع زنان است. زیرا در ازدواج دائم زمانی که زن با مرد دچار اختلاف می شود و قصد جدا شدن دارد، قانوناً حق طلاق ندارد (مگر اینکه وکالت در طلاق در ابتدا به او داده شود) و باید مواردی را بتواند اثبات کند که زندگی برایش غیرقابل تحمل است. بدیهی است طلاق حق مرد است نه زن و این مشکل بزرگی برای زنان محسوب می شود. در چنین وضعیتی که زن حق طلاق ندارد و می خواهد از شوهرش جدا شود، ممکن است شوهر از روی لجبازی یا به هر دلیل دیگر زنش را طلاق ندهد و او را مجبور به زندگی با خود کند. بدین ترتیب زندگی مشترک به طور ناعادلانه بر زن تحمیل می شود و عملاً نوعی طلاق عاطفی اتفاق می افتد. این امر ممکن است منجر به خیانت از سوی زن یا مرد نیز شود. درحالیکه در ازدواج موقت چنین مشکلی به وجود نمی آید زیرا مدت آن خودبه خود تمام می شود و دیگر زن مجبور نیست زندگی را علی‌رغم میل خود تا ابد تحمل کند. حال اگر از ازدواج موقت راضی باشد، می تواند آن را با توافق مرد تمدید کند.

همچنین طلاق تشریفات قانونی دارد که شاید به سختی انجام پذیرد. مثلا نیازمند تقدیم دادخواست است و یا وجود دو شاهد در اجرای صیغه طلاق الزامی است. شاید زن به هیچ وجه و حتی برای یک لحظه نیز حاضر به ادامه زندگی با شوهرش نیست اما به هرحال این فرآیندهای طولانی و طاقت فرسای طلاق باید طی شود.

البته ممکن است گفته شود در نکاح موقت هم بذل مدت یعنی اتمام نکاح قبل از موعد در دست مرد است و زن تنها در صورت وکالت در بذل مدت می تواند این کار را انجام دهد. اما باید توجه داشت که نکاح موقت حداقل این امتیاز را دارد که در صورت عدم موفقیت به جدا شدن از همدیگر از طریق طلاق، مدت آن خودبه خود منقضی می شود.

۴-۳-فرصت شناخت و آزمودگی

از نکاح موقت می توان به عنوان یک دوره آزمایشی برای رسیدن به نکاح دائم استفاده کرد. بعضی از دانشمندان برآنند که ازدواج به گونه ای که امروزه معمول است خطراتی جدی در بردارد و چه بسا اشخاص را بدون تجربه کافی گرفتار قید و بندی می کنند که گسیختن آن به آسانی میسر نیست و پیشنهاد می کنند که یک ازدواج آزمایشی در قوانین کشورها پذیرفته شود یعنی ازدواجی موقت که در صورت رضایت بخش بودن به ازدواجی دائم تبدیل گردد(صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ۲۹).

در بسیاری از کشورهای غربی نیز طرفین قبل از ازدواج فرصت شناخت کافی از هم را خارج از چارچوب ازدواج رسمی پیدا می کنند و به صورت غیر رسمی توافق بر رابطه یا حتی زندگی با هم می کنند و معمولاً بعد از شناخت کامل و همه جانبه اقدام به ازدواج دائم می کنند. اگر به تفاهم نرسند از هم جدا می شوند. این عمل آنها عملاً ازدواج موقت است که شرع و قانون ما آن را به رسمیت شناخته است. برخلاف جامعه ای چون ایران که معمولاً بدون شناخت و تفاهم سعی در ازدواج دائم دارند.

بنابراین نکاح موقت فرصتی است مناسب جهت شناخت، تجربه و آزمودگی. در این ازدواج مرد و زن با همدیگر از زوایای مختلف آشنا می شوند و به شخصیت و روحیات و خصوصیات همدیگر پی می برند. اگر با هم به تفاهم برسند می‌توانند ازدواج را دوباره تمدید کنند. در حالیکه همانطور که قبلاً هم اشاره شد، در ازدواج دائم فرصت چندانی برای شناخت همدیگر نیست و اکثراً حتی بدون شناخت نیز اتفاق می افتد. لذا ازدواج موقت یک شرط ضروری برای کسانی باید باشد که می خواهند ازدواج دائم کنند.

بحث و نتیجه گیری

نکاح موقت با اینکه یک نکاح مشروع و قانونی است اما از نظر عرف جامعه چندان مورد پذیرش نیست و دلایل مخالفان این نوع ازدواج این است که چنین ازدواجی به منزله لذت جویی و تنوع طلبی است و نیز عرف اکثریت چنین ازدواجی را قبول ندارد. در پاسخ به این ایراد استدلال ما این است که لذت جویی و تنوع طلبی ممکن است در ازدواج دائم هم وجود داشته باشد و مختص ازدواج موقت نیست. همچنین، لذت و تمتع جنسی از نیازهای فطری و طبیعی بشر است که باید رفع شود اما در عصر حاضر با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی از طریق ازدواج دائم به سختی امکان پذیر است. در فاصله بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی ازدواج موقت راهکاری منطقی و عقلانی است که می‌تواند از بروز عقده های جنسی جلوگیری کند.

همچنین در پاسخ به ایراد دوم که عرف اکثریت ازدواج موقت را قبول نمی کند، استدلال نمودیم امری که فرهنگ غالب و عرف اکثریت است لزوماً به معنای صحیح و اخلاقی بودن آن نیست و عرف های اکثریت در طول تاریخ از نظر دینی و اخلاقی ناپسند بوده اند. از طرف دیگر، مطابق مقررات بین المللی و حقوق بشری، فرهنگ غالب اکثریت امروزه باید فرهنگ اقلیت ها را بپذیرد و به آنها احترام بگذارد و لازم نیست همه انسان ها از یک قاعده مطلق و ثابت (ازدواج دائم) پیروی کنند.

از طرف دیگر، ازدواج دائم در عصر حاضر و جوامع مدرن دارای ایرادات متعددی است. چنین ازدواجی به دلیل تغییر عواطف و احساسات زوجین در طول زندگی، نقض حریم خصوصی زوجین و عدم استقلال آنها از اولین مرحله یعنی خواستگاری تا مرحله پایانی یعنی طلاق، سنت ها و رسم های غیر منطقی و غیرعقلانی در مراسم مختلف و عدم امکان شناخت قبل از ازدواج منجر به مشکلات و اختلافات متعدد میان زوجین، خیانت و طلاق می گردد. لذا نمی توان به ازدواج دائم چندان اعتماد نمود و این ازدواج یکی از بزرگ ترین تحمیل هایی است که بر بشریت شده است. اما ازدواج موقت امتیازات و فوایدی دارد. این ازدواج می تواند از انحرافات و جرایم جنسی در جامعه پیشگیری کند و مانع سرکوب و عقده جنسی در افراد شود. در چنین ازدواجی طرفین دارای حقوق و تکالیف و تعهداتی می شوند که قانون از آنها حمایت می کند. همچنین عدم وجود طلاق نیز از امتیازات مثبت ازدواج موقت مخصوصاً برای زنان است تا مجبور نشوند تا پایان عمر زندگی تحمیل شده از طرف یک مردِ لجباز را تحمل کنند. ازدواج موقت فرصتی مناسب برای شناخت و آزمودگی برای طرفین را ایجاد می کند تا آماده ازدواج احتمالی دائم در آینده شوند.

بدین ترتیب به نظر می رسد در جهان مدرن و معاصر به سختی می توان به ازدواج دائم پایبند بود و می توان سخن از جایگزینی ازدواج موقت به جای ازدواج دائم گفت. بهتر است در جهان معاصر بر نکاح موقت نیز در کنار نکاح دائم توجه و تمرکز بیشتری شود و جوانان به این نوع نکاح نیز بیشتر تشویق شوند. این ازدواج در صورت تفاهم زوجین قابل تمدید است و تا ابد بر آنها تحمیل نمی شود. بدین ترتیب انسان ها در جامعه مدرن فعلی، هنگام ازدواج نباید قول یک پیوند ابدی را دهند چون عملاً ممکن نیست. بلکه باید ازدواج موقت منعقد شود و در صورت تفاهم تمدید شود.

هرچند جامعه ای چون ایران به دلیل تعصبات و پایبندی به سنت ها و عرف ها فعلاً به سختی حاضر به قبول این مسأله خواهد شد. اما به خاطر جلوگیری از روابط آزاد آنومیک یا عقده های جنسی باید این راه حل را پذیرفت. با این حال، ازدواج موقت نباید ابزار و بهانه ای باشد در دست برخی مردان متأهل و هوسباز که صرفاً در پی ارضای مکرر نیاز جنسی و تخلیه عقده های جنسی خود یا تجربه آمیزش جنسی با دختران و زنان مختلف هستند. برای جلوگیری از چنین سوءاستفاده هایی، قانونگذار باید حداقل مدت ازدواج موقت را (مثلاً یک ماه) در قانون به صورت یک قاعده آمره و الزامی مشخص کند.

قدردانی

بدین وسیله از دوست دیرین و گرامی خود آقای میر حسین میری، کارشناس حقوق، به خاطر نکته نظرات مفیدشان در خصوص این مقاله تشکر و قدردانی می نمایم.

منابع:

الف) کتب و مقالات

۱. آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، **تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران**، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸
۲. راسل، برتراند (۱۳۸۷) **زناشویی و اخلاق**، (نشر الکترونیکی)، مترجم : ابراهیم یونسی، به کوشش امیر کشفی.
۳. رایش، ویلهلم (۱۳۸۲) **کشف انرژی ارگن، روانشناسی در عمق: کارکرد ارگاسم**، ترجمه استپان سیمونیان، چاپ اول.انتشارت رشد.
۴. رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۹۸) **رویکردهای نوین در جرم شناسی انتقادی و سیاست جنایی**، چاپ اول، انتشارات مجد.
۵. ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۹۱) **شناسایی همبستههای اجتماعی میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت**، فصلنامه خانواده پژوهشی، دوره ۸، شماره ۴ شماره پیاپی ۴، ص ۵۰۴-۴۸۵.
۶. شفائی، محسن (۱۳۴۱) **متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن**، چاپ مرکز نشر کتاب.
۷. شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۷) **هنر رفتار با زنان**، ترجمه علی عبداللهی، چاپ دوم، نشر مرکز.
۸. شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۸) **جهان و تاملات فیلسوف**، ترجمه رضا ولی یاری، چاپ دوازدهم، نشر مرکز.
۹. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۰) **مختصر حقوق خانواده**، چاپ سی ام، نشر میزان.
۱۰. قاسمی حامد، مرتضی (۱۳۹۲) **نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن و تاریخ**، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین، دوره دوم، شماره سوم و چهارم، ص ۹۲-۷۴.
۱۱. منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۴) **گونه های ازدواج در عصر جاهلی**، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ص ۱۲۷ تا ۱۵۶.
۱۲. هاشمی، سیدحسین (۱۳۸۶) **نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه**، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۱۰۰-۱۲۸.

ب) سایت ها:

۱۳. وبسایت صدانت، نظر تکمیل شده مصطفی ملکیان پیرامون ازدواج.
۱۴. وبسایت آفتاب نیوز، پایگاه خبری (۱۳۹۶)، آمار تکان دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران.
۱۵. وبسایت تبیان، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی (۱۳۹۶) گرسنگان جنسی.
https://www.sciencedaily.com/releases/2009/04/090429172241.htm